



نگاه

«شیوع» در ایرانصدا منتشر شد



کتاب گویای «شیوع» با نگاهی به همه‌گیری ویروس کرونا و موضوع واکسیناسیون عمومی تولید و منتشر شده است. به گزارش روابط‌عمومی ایرانصدا، کتاب گویای شیوع به داستان همه‌گیری یک نوع بیماری در میان کارگران یک منطقه پالایشگاهی می‌پردازد. ویروسی که کارگران را از پا درمی‌آورد و از جمعیت پزشکان و کادر درمان شهر فقط چهار پزشک زنده می‌مانند. در این وضعیت، سیستم بهداشت عمومی تصمیم به واکسیناسیون همگانی می‌گیرد اما عده‌ای سودجو با قاچاق واکسن شرایط را سخت‌تر می‌کنند. کتاب گویای شیوع توسط هدی فلاح تهیه و کارگردانی شده و امیرمحمد صمصامی روایت این اثر را برعهده داشته است. همچنین محمدرضا چرختاب و نگین خواجه‌نصیر از بازیگران این کتاب گویا هستند. این اثر که برگرفته از نمایشنامه «تیفوس» اثر ژان پل سارتر است به قلم هدی فلاح و با مشاوره دکتر رضا روثفی، دکتر غزل سندگل و دکتر ایمان انصاری بازنویسی و اقتباس شده است. کتاب گویای شیوع توسط پایگاه کتاب گویای ایرانصدا تهیه شده و به‌صورت رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. علاقه‌مندان برای مطالعه این کتاب می‌توانند اپلیکیشن تلفن همراه ایرانصدا را برای سیستم‌عامل اندروید و IOS از نشانی IRANSEDA.IR به‌صورت رایگان دریافت کنند.

سر زدن به سفره‌های ایران



«سفره ایرانی»عنوان یکی از برنامه‌های چندساله است که مدتی با بخش‌های تازه‌ای روی آنتن رفته است. این برنامه به تهیه‌کنندگی فاطمه بی‌تقصیر شنبه ودوشنبه ساعت ۱۹ و۱۰ دقیقه از انواع غذاهای ایرانی، دسرها، سالادها، آش و هر آنچه در یک سفره قرار می‌گیرد، می‌گوید. اجرای هر کدام از بخش‌ها هم به عهده یک مجری و گوینده است.

مehزنوش نصیری و آناهیتا دلفانی، گوینده و نویسنده آیتم بشقاب سالاد هستند. نصیری درباره این بخش به جام‌جم بیان کرد: در این آیتم ما به طرز تهیه سالادهای خوشمزه‌ای که هر کسی می‌تواند با ساده‌ترین مواد آنها را درست کند، می‌پردازیم. سالادهایی با میوه‌ها و سبزیجات فصلی پرخاصیت و موارد مختلف دیگر.

دلفانی هم با اشاره به رویکردی که در این فضا دارند، گفت: ما به دنبال آن هستیم تا مخاطبان برنامه را با سالادهای جدید و خوشمزه آشنا کنیم، سالادهایی که البته کم‌هزینه و پر از ارزش‌های تغذیه‌ای مناسب هستند.

مehزنوش نصیری هم با آیتم سفره‌گرد در این برنامه حضور دارد. او با اشاره به علت انتخاب این عنوان گفت: در این آیتم ما به سفره‌های مختلفی که در سراسر کشور پهن می‌شود سر می‌زنیم تا از غذاهای آن برای مخاطبان بگوییم. خوراکی‌هایی که هر کدام تاریخچه‌ای دارند و در مراسم گوناگونی پخته می‌شوند.

همچنین فاطمه واشقانی فراهانی هم با دغدغه‌های یک بانو در آشپزخانه در سفره ایرانی حضور دارد. او درباره این بخش گفت: خانه‌داری که در ذهن بسیاری از افراد پیش پا افتاده و سطحی است، جزو سخت‌ترین کارهایی است که بازنشستگی ندارد و هنر محسوب می‌شود. من هم در این بخش نکات ریز خانه‌داری و آشپزی را به مخاطبان یاد می‌دهم تا هرچه بهتر بتوانند به نکات ریز و درشتی که در آن است، بپردازند.



پخش سریال جنایی از شبکه۴

فصل اول مینی‌سریال جدید ۶ قسمتی «دوشیزه اسکارلت و دوک» پخش خود را از امروز از شبکه چهار سیما آغاز می‌کند. به گزارش جام‌جم، این مینی سریال جنایی، محصول سال۲۰۲۰ انگلستان است و توسط راشل نیو ساخته شده و بازیگرانی همچون کیت فیلپس، استوارت مارتین و کتی بلتون در آن ایفای

روایت بهنام یزدانی خبرنگار صداوسیما در افغانستان از روزهای داغ کابل

برای «خبر»، خطر کردیم

افغانستان طی روزهای اخیر بدون افراق، خیرسازترین نقطه جهان بود. تحولاتی که به نسبت گستردگی‌شان در بازه زمانی بسیار کوتاهی اتفاق افتادند باعث شد که اخبار این کشور تبدیل به تیتر یک رسانه‌های دنیا شود. خبرنگارهای خارجی مستقر در افغانستان، وقتی چمدان می‌بستند که کارشان را در این کشوری بگیرند، کم‌وبیش می‌دانستند که قرار است با چه اتفاقاتی روبه‌رو شوند اما روی کار آمدن دوباره طالبان را هیچ‌کس تا همین چند ماه قبل نمی‌توانست پیش بینی کند. به همین خاطر بیشتر خبرنگاران خارجی وقتی وضعیت بحرانی شد تصمیم گرفتند برای مدتی افغانستان را ترک کنند و از دور شاهد و روی خبرهای این کشور باشند یا تدابیر امنیتی را به کار ببندند و با محافظ و خودروی ضدگلوله در نقطه‌ای امن بایستند و شاهد ماجرا باشند و به مخاطبان‌شان اطمینان دهند که دارند وضعیت افغانستان را از دل میدان روایت می‌کنند اما واقعیت این است خبرنگاری که با محافظ و خودروی ضدگلوله حتی به میان مردم عادی شهر نمی‌رود، نمی‌تواند برآیند درستی از وضعیت مردم و حال و روز اجتماعی کشور داشته باشد. رسانه ملی کشور بهمان هم از رسانه‌هایی بود که در میدان افغانستان ماند و ترجیح داد به جای این که صحنه را خالی کند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد و از دور شاهد ماجرا باشد، خبرنگارش را در دل واقعه نگه داشت تا از زندگی این روزهای مردم افغانستان برای مخاطب، بازتابی واقعی داشته باشد. بهنام یزدانی، خبرنگار صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در افغانستان است که طی روزهای اخیر، بحران این کشور را به چشم دیده و از نزدیک لمس کرده‌است. او در تمام مدت درگیری‌ها و آشوب افغانستان در بطن ماجرا بوده و تمام لحظه‌هایی را که خبرنگارهای دیگر رسانه‌ها فقط خبرش را مخابره کرده‌اند، لمس نموده‌است. روایت شخصی بهنام یزدانی از زمان سقوط کابل تا خروج نظامیان آمریکایی می‌تواند یکی از دقیق‌ترین بازتاب‌های رسانه‌ای این روزهای افغانستان باشد.

روز خبرنگار در مزار شریف



پانزدهم مرداد بود و دو روز مانده بود به روز خبرنگار. ما خبرنگارها همین یک روز را در سال داریم و در همین روز است که سیل تیرگی‌ها به سمت‌مان سرازیر می‌شود و از جهت‌های مختلف مورد لطف و تقدیر و تشکر قرار می‌گیریم. ما خبرنگارها معمولاً روز خبرنگار را به خوشی می‌گذرانیم اما اگر به علت نامگذاری این روز رجوع کنیم، همه چیز این‌قدر سرخوشانه برپایمان رقم نمی‌خورد. روز خبرنگار، روزی است که در حمله طالبان به کنسولگری ایران در مزار شریف چند دیپلمات ایرانی همراه یک خبرنگار از خبرگزاری ایرنا به شهادت رسیدند. حالا دقیقاً پانزدهم مرداد و در آستانه روز خبرنگار بود و من دقیقاً در شهر مزار شریف بودم. قرار بود که به مناسبت روز خبرنگار از این شهر گزارش تهیه کنم اما مساله‌ای وجود داشت که این روز خبرنگار را از روز خبرنگار سال قبل متمایز می‌کرد. ماجرا این بود که طالبان به پشت دروازه‌های مزار شریف رسیده بود. من یک خبرنگار بودم و داشتم می‌رفتم کنسولگری ایران در مزار شریف و طالبان هم داشت از راه می‌رسید. انگار تاریخ سر تکرار شدن داشت. دل توی دلم نبود. به کنسولگری که رسیدم دوستان دیپلمات به شوخی زدن زیر خنده که: «بفرما! فقط یک خبرنگار مان کم بود که آن هم رسید!» روزهای عجیبی بود. فضای اجتماعی افغانستان در بهت فرو رفته بود. ترس در چشمان مقامات و مسئولان شهری پیدا بود. با استاندارد بلخ که قرار مصاحبه داشتیم با حال مضطربی گفت: در روزهای بدی به مزار شریف آمدی.

ما سربلند بیرون آمدیم

معمولاً رسانه‌هایی که برای پوشش یک بحران یا جنگ، خبرنگار در محل مستقر می‌کنند از قبل می‌دانند که قرار است چه اتفاقی بیفتد و خبرنگارشان قرار است در چه شرایطی کارش را پیش ببرد. به همین دلیل هم هست که رسانه‌های مختلفی می‌توانند موازی با هم کار خبرسانی از جنگ یا بحران را انجام دهند اما مساله افغانستان بسیار پیچیده‌تر بود و اهمیت کار رسانه ما اینجا مشخص می‌شود. وقتی که شرایط بحرانی شد کار برای دیگر رسانه‌ها که توقع چنین شرایطی را نداشتند و با فضای افغانستان هم به‌خوبی آشنا نبودند، خیلی دشوار شد. بعد از سقوط کابل فقط رسانه‌ها و یک رسانه دیگر بود که در میدان ماند و گزارش‌های لحظه به لحظه مخابره کرد. در این اواخر، مخصوصاً پس از سقوط دولت که رسانه‌های داخلی افغانستان هم، یا در سکوت فرو رفته بودند، یا فعالیت نمی‌کردند، می‌توانم بگویم جزو دور رسانه پیش‌تر در انعکاس تحولات بودیم. ما اولین تصویر را از حضور طالبان در خیابان‌های شهر منتشر کردیم، گزارش گرفتیم و مرحله به مرحله روند عادی شدن زندگی مردم را نشان دادیم اما در آن مرحله، شاید همین پیش‌تازی ما به مذاق شبکه‌های معاند خوش نیامد و عنوان «تظهير طالبان» را برجسته کردند. عده‌ای هم دانسته یا ندانسته، بدون این‌که از داخل افغانستان خبر داشته باشند، از داخل کشور بهمان با این شبکه‌ها همراهی کردند. روایت ما واقعیتی بود که در افغانستان اتفاق می‌افتاد، هرچند الان دیگر شبکه‌های دنیا هم به این نقطه رسیده‌اند که زندگی در افغانستان در حال بازگشت به روند سابق است. باید گفت آمریکایی‌ها با فساد و جنگ و ناامنی در ۲۰ سال اخیر در افغانستان، مردم را به درجه‌ای از ناامیدی رسانده بودند که تأمین امنیت از ناحیه طالبان مورد توجه

نقش کرده‌اند. داستان این مجموعه، قصه الیزا اسکارلت است که در لندن دوره ویکتوریا زندگی می‌کند. او که هنگام فوت پدرش بی‌پول می‌ماند، تصمیم می‌گیرد آژانس کارآگاهی پدرش فعال بماند و شخصاً به جای او به فعالیت ادامه دهد اما برای فعالیت در دنیای مردسالاری حل جنایت با بازرسی به‌نام کارآگاه

ویلیام ولینگتون، معروف به دوک، همکاری می‌کند.

دوشیزه اسکارلت و دوک از سایت تخصصی IMDb امتیاز ۷/۷ را کسب کرده و به انتخاب مخاطبان و منتقدان این سایت به عنوان یکی از سریال‌های محبوب سال ۲۰۲۰ شناخته شده است.



بدون تدابیر امنیتی کف خیابان بودم!

وقتی خبرنگار در قامت خبرنگار جنگ یا بحران به صحنه می‌رود دیگر شرایط برایش فرق می‌کند. دستورالعمل‌های خاصی را باید رعایت کند و تدابیر امنیتی مختلفی باید برایش در نظر گرفته شود. افغانستان که آشفته شد بسیاری از خبرنگارهای مستقر در این کشور، به کشورشان برگشتند و برخی‌ها هم که مانندن تابع دستورالعمل‌های خبرنگاری بحران شدند. خبرنگار رسانه فطری، با این‌که طالبان در کشورش دفتر داشت و معلوم بود که هیچ خطری خبرنگار فطر را تهدید نمی‌کند، با این‌حال با محافظ و ماشین ضدگلوله این طرف و آن طرف می‌رفت اما اوضاع برای من متفاوت بود.

حوادث تروریستی در افغانستان خیلی پیچیده است. متأسفانه حتی در مقایسه با رسانه‌های داخلی افغانستان، ما از هیچ امکانات امنیتی برخوردار نبودیم. خبرنگاران خارجی در مکان‌هایی با تدابیر امنیتی بالا مستقرند. وقتی هم بیرون می‌روند، مثل ما همیشه کف خیابان نیستند؛ با خودروهای ضدگلوله و محافظ تردد می‌کنند اما خودروهای ما که ساده است معلوم نیست کجا در راه خاموش شود. محافظ هم که بماند، فقط یک کلاه و جلیقه ضدگلوله داریم که آن هم تکمیل نیست. با این‌حال، حتی در صورت داشتن تمام تجهیزات امنیتی، فقط همه این‌ها برای خبرنگار امنیت نمی‌آورد. باید در میدان باشی و از هر رویداد ضد امنیتی برای رویداد بعدی تجربه کسب کنی؛ مخصوصاً افغانستان که پایتخش شهری است که بیشترین انفجارها را در دنیا دارد. برخی اوقات، صبح تا شب، حتی به پنج انفجار هم می‌رسید. این‌ها موضوعاتی است که در جایی تدریس نمی‌شود.

در ابتدای ورودم به افغانستان، وقتی برای تهیه خبر از اولین فاجعه تروریستی زمان مأموریتم به محل حادثه رفتم، که البته همه نکات امنیتی را هم نادیده گرفته بودم، آنجا فهمیدم یک ثانیه با مرگ یا یک متر فاصله با حادثه تروریستی چه مفهومی دارد. یاد و نام خبرنگاران شهید در انفجارهای تروریستی باشگاه ورزشی میوند غرب کابل گرامی باد.

کابل؛ وسط معرکه

روزی که قرار بود به پیشنهاد خود استاد عطا محمد نور (فرمانده نیروهای مردمی در مزار شریف) به خط اول درگیری‌ها بروم، طالبان به مزار شریف حمله کرد. آرامش شهر به‌هم‌ریخت و همان شب با دیپلمات‌های کشورمان در مزار شریف تصمیم به ترک شهر گرفتم و به‌سختی خودمان را به کابل رساندیم و سرکنسولگری بسته شد. چند روز هم بیشتر طول نکشید که مزار شریف سقوط کرد. وقتی به کابل رسیدم دیگر پایتخت در تهدید بود. آقای دکتر فهیم‌دانش، مشاور رئیس سازمان و مدیرکل امور بین‌الملل، آقای دکتر داوودی مدیرکل اخبار خارجی، آقای صحرایی مدیر اخبار نمایندگی‌ها و آقای مهندس اصغری مدیر هماهنگی امور نمایندگی‌ها، به‌طور منظم در روزهای منتهی به سقوط پایتخت، روز سقوط و پس از آن از من خبر می‌گرفتند. آقای دکتر داوودی و آقای دکتر فهیم دانش ارتباط‌هایی گرفته بودند و بنا شد به سفارت بروم و اخبار را از آنجا پوشش دهم. همه چیز را هم آماده کرده بودم. شامگاه بیست و چهارم مرداد، درحالی‌که گزارش را ارسال می‌کردم، اشرف غنی فرار کرد و بعد از دو دقیقه از انتشار خبر، آن را در ارتباط زنده با رادیو جوان منتشر کردیم. طالبان وارد شهر شدند. آن روز و آن شب را نمی‌شود در جملات توصیف کرد. توکل بر خدا کردم و فقط بر گزارش متمرکز شدم. چندین ارتباط زنده درخواست شده بود. در دفتر ماندم و خدا را شکر همه سفارش‌ها و اخبار، پوشش داده شد. آن شب به‌سختی صبح شد. هیچ‌کس نمی‌دانست طالبان با مردم شهر چگونه رفتار خواهد کرد. آن روز زندان کابل هم باز شده و چندین هزار زندانی در کابل آزاد شده بودند. عده‌ای نیز به چپاول اموال عمومی پرداختند. آن شب وقتی که آقای سیدمهدی، رئیس خبرگزاری صداوسیما تماس گرفت، به دلیل انفجارهایی که در نزدیکی دفتر اتفاق می‌افتاد، در جایی از دفتر پناه گرفته بودم. همکاران خبرنگار اخبار خارجی از همه جای دنیا قوت قلب می‌دادند. من در دو مرحله، بلیت برگشت را باطل کرده و برای پوشش تحولات مانده بودم. چند روز بعد، آقای صحرایی، مدیرهمیشه پای کار اخبار نمایندگی‌ها، پیام داد و نوشت: خوب شد ماندی، اما اگر طالبان رویه قبل را داشتند، پشیمان می‌شدیم.

